

ارائه شده توسط

لینگو لرن | Lingo Learn

برترین ارائه دهنده خدمات کمک آموزشی کانون زبان شامل: سوال و سامری، دیکشنری کانون، آموزش های رایگان و کاربردی و...

 LingoLearn_official

 LingoLearn

{ هرگونه کپی برداری بدون ذکر نام صاحب اثر شرعا و قانونا حرام و قابل پیگیری می باشد. }

High 3

Unit 9

Ask Pamela...

از پاملا پرس...

Dear Pamela,

پاملا عزیز،

I've always been considered a "nice person," but I guess you could also call me "**a soft touch**." A year ago my husband's sister, Sarah, was in a desperate situation and needed a thousand dollars immediately to pay off a loan she had defaulted on.

من همیشه "شخصی خوب" در نظر گرفته شده ام اما گمان میکنم شما همچنان میتوانید مرا "ساده لوح" هم صدا بزنید. یک سال پیش خواهر شوهرم، سارا، در وضعیتی ناامید کننده بود و بلافاصله هزار دلار لازم داشت تا قرضی را که نتوانسته بود پرداخت کند بپردازد.

She asked us to lend her the money. At first, I suggested that she go through the usual channels and get a bank loan. She said she'd tried that and had been **turned down**. She pressured my husband for a loan, and he pressured me.

او از ما خواست که آن پول را به او قرض بدهیم. در ابتدا من پیشنهاد دادم که او روند های معمول را



طی کند و یک وام بانکی بگیرد. او گفت که آن را امتحان کرده و رد شده بود. او همسر را برای یک وام تحت فشار گذاشت و همسر من را.

Sarah assured us that if we lent her the money, she would pay it back with interest. I gave in and advanced her a thousand dollars from my own account, but I shouldn't have. In fact, had I known what was going to happen, I never would have said yes.

سارا به ما اطمینان داد که اگر ما آن پول را به او قرض دهیم، آن را با سود پس میدهد. من تسلیم شدم و از حساب خودم هزار دلار به سرعت به او فرستادم، اما نباید میکردم. در واقع اگر میدانستم چه اتفاقی میخواست بیفتد، هرگز بله نمیگفتم.

We didn't put anything in writing, and Sarah hasn't paid us a **red cent**. I am extremely angry about this, but whenever I mention it to Carl, my husband, he says that Sarah suffers from low self-esteem and is going through a **rough** time right now. And, he says, it's important that we keep peace in the family. Were I to confront Sarah, he says, it would be **the straw that broke the camel's back**.

ما هیچ چیزی ننوشتیم و سارا حتی یک پول خرد هم به ما پرداخت نکرده. من در مورد این موضوع فوق العاده عصبانی هستم اما هر بار آن را به کارل، همسر من، یادآوری میکنم، او میگوید که سارا از عزت نفس پایین رنج میبرد و الان دوران سختی را میگذراند. و او میگوید مهم است که ما صلح را در خانواده نگه داریم. اگر بخوایم با سارا روبرو شوم میگوید این کاسه ی صبرش را لبریز خواهد کرد.

Pamela, what should I do? What if I confront her and it ends up being a blow to her self-esteem or it causes trouble in the family?

Furious in Frankfort

پاملا، من چکار باید بکنم؟ اگر با او روبرو شوم و این به تخریب عزت نفسش بینجامد یا در خانواده مشکل ایجاد کند چه؟
خشمگین از فرانکفورت

Dear Furious,

خشمگین عزیز،

Sweetie, it's one thing to be a nice person, but it's another to be a **doormat**. It sounds like you let people take advantage of you. If so, I'd say it's time you got some **assertiveness** training. Without it, you'll just keep letting people tell you what to do.

عزیزم، فرد خوبی بودن یک چیز است اما تو سری خور بودن یک چیز دیگر. به نظر میرسد شما به مردم اجازه می‌دهید از شما سوءاستفاده کنند. اگر این چنین است، من باید بگویم زمان آن رسیده که شما مقداری آموزش ابراز وجود ببینید. بدون آن شما فقط به اجازه دادن به اینکه مردم به شما بگویند چه کار کنید ادامه خواهید داد.

In my view, you should have insisted that Sarah sign a **notarized** agreement

spelling out the terms of repayment. It's too late for that now, though, so I recommend that you arrange a meeting between yourself and Sarah.

در دید من، شما باید اصرار میکردید که سارا قراردادی محضری که مقررات بازپرداخت را توضیح داده امضا کند. با اینحال این برای الان خیلی دیر شده پس من پیشنهاد میدهم که جلسه ای بین خودت و سارا ترتیب دهی.

And, if I were you, I wouldn't worry too much about Sarah's self-esteem. Leave Carl out of it. Call Sarah and ask her to meet you for lunch at a restaurant.

و، اگر من به جای تو بودم، بیش از حد درباره ی عزت نفس سارا نگران نمیشدم. کارل را از بحث خارج کن. با سارا تماس بگیر و از او بخواه برای ناهار در رستورانی تو را ملاقات کند.

At the lunch meeting, tell her calmly but in no uncertain terms that you're angry and that this thing has gone far enough. Insist that she start making immediate repayments. Should she balk at what you're saying or mention Carl, simply tell her that this is between you and her, that you don't want family **squabbles**, and that there won't be any as long as she makes the payments.

در ملاقات ناهار، با آرامی به او بگو، اما نه با مقررات نامعلوم، که تو عصبانی هستی و این مساله به اندازه ی کافی طولانی شده است. اصرار کن که او شروع کند به بازپرداخت کردن های فوری. اگر از چیزی که میگویی امتناع کرد یا به کارل اشاره کرد، به سادگی به او بگو که این بین تو و اوست، که تو دعواهای خانوادگی نمیخواهی، و اینکه هیچ دعوایی نخواهد بود تا وقتی که او پرداخت ها را



انجام دهد.

Make it clear that she must make the payments; if not, you'll take her to small claims court. It's essential that Sarah understand you're serious; otherwise, she'll simply go on taking advantage of you.

این را مشخص کن که او باید پرداخت ها را انجام دهد؛ اگر نه، تو او را به دادگاه دعاوی کوچک خواهی برد. این ضروریست که سارا بفهمد که تو جدی هستی؛ در غیر اینصورت، او به سادگی به سو استفاده کردن از تو ادامه خواهد داد.

Tell Carl what you've done after you've met with Sarah. You don't need to get angry. Just say that it was your money that was lent, that this is the way things are going to be from now on, and that you'd rather the two of you didn't get into a fight about it. Then look around for a course in **assertiveness**. With a little work, you can learn not to be a **wimp**. Good luck, and be calm but courageous!

Pamela

به کارل بگو چکار کردی، بعد از اینکه با سارا ملاقات کردی. تو نیازی به عصبانی شدن نداری. فقط بگو که این پول تو بود که قرض داده شده بود، که قرار است از این به بعد اینگونه باشد، و اینکه تو ترجیح میدهی که هر دوی شما در مورد آن دعوایی نکنید. سپس به دنبال دوره ای برای ادعا و ابراز وجود بگرد. با اندکی تلاش، تو میتوانی یاد بگیری تو سری خور نباشی. موفق باشی، و آرام و شجاع باش! پاملا

New word: English explanation / معنی فارسی

Assertive: forward or aggressive in speech or action / مدعی، ابراز وجود کننده

Doormat: when you let somebody to behave to you in every way

he/she wants / تو سری خور، کفش پاک کن

Notarized: legalized with a stamp of a notary public, authenticated or attested to as a notary public / گواهی محضری

Red cent: (informal) a penny as a symbol of insignificance / یک پیشیز، پول سیاه، پول

خرد

Rough: characterized by difficult conditions / سخت

Soft touch: if you describe someone as a soft touch, you mean that they can easily be persuaded to lend you money or to do things for you; an informal



سادہ لوح، لقمہ ی چرب و نرم / expression

Straw that broke the camel's back: last in a series of problems that finally caused a situation to become unbearable / لبریز شدن کاسه ی صبر

Squabble: to quarrel over trivial matters; bicker / جر و بحث

Turn down: to decline, refuse, or reject / قبول نکردن رد شدن

Wimp: (informal) a timid, weak and cowardly person, pushover / سادہ لوح، تو سری
خور

New word	Synonym	Antonym
Assertive	affirmative, aggressive	timid, unassertive
Doormat	Wimp	
Notarized	Legalized	
Red cent		
Rough	difficult, harsh	gentle, smooth
Soft touch	Timid, wimp	
Squabble	Bicker, argue	
Turn down	decline, refuse, reject	Accept
Wimp	Timid, weak, coward, pushover	